

جبر و زور متوسل شده و غالباً در ارتباط با ملاحظات بهداشتی مانع ورود کالاهای خارجی می شود. این در حالی است که همسایگان روسیه از لحاظ اقتصادی شدیداً وابسته به این کشور هستند. روسیه در گذشته، چندین بار در نیمه زمستان صدور گاز به اوکراین را قطع کرده و اخیراً بر سر صورت حسابهای پرداخت نشده مناقشه تازه ای با این کشور داشته است. روسیه همچنین بازرسیهای مرزی را افزایش داده و مانع ورود محصولات یک کارخانه بزرگ آب نبات سازی اوکراینی موسوم به روشن به دلایل مسائل بهداشتی شده است. علاوه بر این مسکو واردات شراب از مولداوی را قذفن کرده است. صنعت شراب سازی برای جمهوری مولداوی که فقیرترین کشور اروپایی لقب گرفته اهمیت زیادی دارد. مسکو همچنین به طور ضمنی مولداوی را تهدید کرده که در زمستان صدور گاز به این کشور را قطع خواهد کرد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، روسیه از جدایی طلبان ماوراء دنیستر، که جدایی خود از مولداوی را اعلام کرده حمایت کرده اند. روسیه در گذشته همچنین واردات شراب و آب معدنی از گرجستان را قذفن کرده بود. البته سیاست کرملین همیشه تهدید نبوده است. یک ماه بعد از آغاز بحران در اوکراین ولادیمیر پوتین در اقدامی غافلگیرکننده خود را با خرید ۱۵ میلیارد دلار از اوراق قرضه کی یف در دو سال آینده اعلام کرد. پیشنهادی اغوا کننده که به گفته تحلیل گران تیر خلاصی بر آرزوهای اروپایی مخالفان دولت بوده. اتحادیه اروپا با توجه به اوضاع مالی و بحران یورو توانایی مقابله با چنین پیشنهاد سخاوتمندانه ای را نداشت. از همین رو سعی کرد بر آتش نارآمیها در خیابانهای کی یف بیفزاید.

چرا اوکراین؟

اوکراین ۴۵ میلیون نفر جمعیت دارد و یکی از بزرگترین کشورهای اروپا محسوب می شود. خط لوله گاز صادراتی روسیه که اهمیت حیاتی دارد با عبور از خاک اوکراین، گاز را به مصرف کنندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا می رساند. اتحادیه اروپا تقریباً

ارتدوکس. در سال ۲۰۰۹، روسیه با اشتیاق فراوان فعالیت برای ایجاد یک اتحادیه گمرکی با بلاروس و قزاقستان را شروع کرد. تا سال ۲۰۱۲، این اتحادیه انسجام بیشتری یافت و این سه کشور به صورت یک فضای اقتصادی واحد درآمدند. اکنون هدف ایجاد یک اتحادیه اقتصادی اروپایی-آسیایی تا سال ۲۰۱۵ است. دو جمهوری دیگر از جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، یعنی ارمنستان و قرقیزستان نیز درخواست کرده اند به روند ادغام، بپیوندند. ولی تأثیر واقعی این اتحادیه هنگامی است که اوکراین با ۴۶ میلیون نفر جمعیت و داشتن دومین اقتصاد بزرگ منطقه (پس از روسیه) به آن ملحق شود و نیروی انسانی قابل توجهی را که آقای پوتین به دنبال آن است، در یک جا گرد آورد. از همین رو است که تحلیل گران معتقدند "توافق اوکراین و اتحادیه اروپا به نوعی اهانت به روسیه و تخریب چهره شخصی پوتین بوده و او این توافق را تهدیدی اقتصادی و ایدئولوژیکی محسوب می کند".

بازی با اهرمهای فشار

مسکو از ابتدای بحران اخیر در کی یف اتحادیه اروپا را متهم به استفاده از "فشار و تهدید" علیه اوکراین کرده است. رهبران اتحادیه اروپا اتهامات مشابهی به روسیه وارد کرده و اظهار داشتند که آنها "شدیدا مخالف مواضع و اقدامات روسیه" در قبال اوکراین هستند. منتقدین، روسیه را متهم کرده اند که برای دور کردن بعضی از همسایگان این کشور از اتحادیه اروپا و نزدیک کردن آنها به اتحادیه گمرکی روسیه، به تاکتیکهای

واقعیتها و عینیتهای شرایط متحول شده داخلی، منطقه ای و جهانی توجه کند. تأکیدهای اخیر پوتین بر همکاری در جمهوریهای سابق شوروی را می توان در همین چارچوب دید.

نگاه هانتینگتونی کرملین به اوکراین

از نظر پوتین رقابت، مهمترین انگیزه برای روابط بین المللی است و سیاست او در قبال اوکراین نیز بر اساس همین مسئله است. موضوعی که محور اصلی سخنرانی چند پیش پوتین در پارلمان روسیه بود. پوتین معتقد است که رقبا اصلی، "واحدهای بزرگ ژئوپلیتیک" یا به عبارتی آمریکا، چین و اروپا هستند؛ در این قالب، روسیه یکی از معدود بازیگران مستقل مهم است که باید برای رقابت موفقیت آمیزتر، با ایجاد یک اتحادیه سیاسی نظامی آسیایی-اروپایی، پایه قدرت خود را تحکیم بخشد. البته ظاهر نگاه کرملین به این رقابت هانتینگتونی است. به عقیده پوتین، روسیه علاوه بر این که یک واحد استراتژیک است، دارای تمدن جداگانه ای است که با چندین کشور

دیگر از جمله اوکراین و بلاروس در آن سهیم است. این تمدن هم اروپایی است و هم مسیحی، اما نژادش اسلاو است و مسیحیت اش



اتحادیه اروپا با توجه به اوضاع مالی و بحران یورو توانایی مقابله با چنین پیشنهاد سخاوتمندانه ای را نداشت. از همین رو سعی کرد بر آتش نارآمیها در خیابانهای کی یف بیفزاید